

# سایه سنگین دیپلماسی بر سر توسعه اقتصادی



◆ کاظم شاملو

رئیس خیرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) استان یزد

در سال‌های اخیر به مدد پیشرفت ابزارهای ارتباط جمعی و توسعه وسایل حمل‌ونقل، روابط میان کشورها در مقایسه با چند قرن قبل افزایش چشمگیری یافته و در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشورها اثرات ملموسی را بر جا گذاشته است.

بدون شک یکی از مهم‌ترین پیامدهای افزایش ارتباطات میان کشورها، توسعه تجارت در چند قرن گذشته بوده است، گزارش‌های سالانه سازمان تجارت جهانی هر ساله روندی فزاینده از حجم تجارت میان کشورها را نشان می‌دهد، اگرچه در حدود دو سال اخیر به دلیل شیوع کرونا رشد اقتصادی و حجم

تجارت بین‌المللی اندکی نسبت به قبل از آن کاهش یافت، اما بر اساس آخرین گزارش این سازمان روند موجود برای سال ۲۰۲۱ مبین بهبود وضعیت اقتصادی و تجارت جهانی است. سازمان تجارت جهانی افزایش هشت درصدی میزان تجارت





بین‌المللی را در سال ۲۰۲۱ پس از کاهش ۵.۳ درصدی آن در سال گذشته، پیش‌بینی کرده که مبین بهبود وضعیت پس از رکود ناشی از همه‌گیری کروناست.

حجم سالانه بیش از ۲۰ هزار میلیارد دلاری ارزش تجارت بین‌الملل باعث شده تا تعاملات اقتصادی میان کشورها افزایش چشمگیری پیدا کند و در روابط دیپلماتیک نیز ملاحظات اقتصادی در مقایسه با ملاحظات سیاسی نقش پررنگ‌تری را پیدا کرده‌است؛ به گونه‌ای که رویکرد قدرت‌های سیاسی برای فشار به برخی کشورها جایگزینی اعمال تحریم‌های اقتصادی به جای تهدید نظامی و دیگر روش‌های محدودکننده است.

دیپلماسی علم اداره روابط بین‌المللی است. در واقع دیپلماسی، کوششی است که یک بازیگر بین‌المللی برای مدیریت و حل و فصل اختلافات محیط بین‌الملل از طریق کار با یک بازیگر بین‌المللی دیگر به کار می‌گیرد.

روابط دیپلماتیک بیشتر مبین ارتباط رسمی بین کشورهاست، اما در سال‌های اخیر این ارتباطات از محدوده روابط صرفاً سیاسی میان دولت‌ها در حال خارج شدن است و با توجه به ابعاد گسترده ارتباطات بین‌المللی به خصوص در حوزه مبادلات اقتصادی، ملاحظات دولت‌ها نیز در روابط بین‌الملل بسیار متأثر از ملاحظات اقتصادی شده است.

در چند سال اخیر که ایران مورد شدیدترین تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته است، با وجود قطع نشدن روابط سیاسی میان ایران و سایر کشورها، عملاً دسترسی ایران به بسیاری از منابع درآمدی حاصل از فروش نفت و همچنین تجارت با سایر کشورها، قطع، بسیار محدود یا با مشکلات زیاد برای مبادله ارزی همراه شده است.

افزایش ارتباطات و وابستگی کشورها در زمینه مختلف اقتصادی به یکدیگر در سال‌های اخیر، بقاء جوامعی که قصد فعالیت در خارج از چارچوب نظام تجارت جهانی را دارند با چالش‌های جدی مواجه کرده است. فضای به شدت رقابتی اقتصاد در عصر حاضر نیز باعث افزایش فاصله میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه شده است و جوامعی که شتاب کمی در زمینه توسعه اقتصادی دارند با زیان‌های انباشته بیشتری در این شرایط مواجه می‌شوند.

برخی کارشناسان یکی از دلایل خروج آسان آمریکا از برجام را فقدان منافع اقتصادی در این توافق برای آمریکا عنوان می‌کنند. بدون شک اگر پای سرمایه‌گذاران این کشور در دوران پسابرجام در طرح‌های مختلف باز می‌شد، تحت تأثیر مخالفت‌های سرمایه‌گذاران آمریکایی و با توجه به منافع اقتصادی که برای آنان از دست می‌رفت، خروج آمریکا از برجام به آسانی آنچه که در دوران ترامپ اتفاق افتاد، صورت نمی‌گرفت.

حوزه اقتصادی نسبت به تحولات سیاسی بسیار حساس است

و آثار هرگونه تصمیمی در حوزه سیاسی بلافاصله در بخش اقتصادی آشکار می‌شود. در سال‌های اخیر نوعی انفصال میان دیپلماسی سیاسی و اقتصادی کشور را شاهد بودیم و دستگاه دیپلماسی از طریق برجام درصد دفع این نقیصه با برداشتن تحریم‌ها بود که با وجود رایزنی‌های چندساله نتوانستیم این مسئله را حل کنیم.

بدون شک تهدیدی که غرب به خصوص آمریکا از ناحیه چین و روسیه احساس می‌کند، بسیار جدی‌تر از تهدید ناشی از ایران است اما این دو کشور با وجود اختلافات ایدئولوژیک بیشترین حجم مبادلات اقتصادی را با بلوک غرب دارند و هر دو طرف به اهمیت و منافع این مبادلات آگاه هستند و در موضوع‌گیری‌های خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که روابط اقتصادی میان آنان تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار نگیرد.

واقعیت این است که در کشور ما به جای آنکه حوزه سیاسی بسترساز برای توسعه سیاسی باشد، هنوز حوزه اقتصادی را به دنبال خود می‌کشد و این مسئله باعث شده تا هزینه زیادی بر حوزه اقتصادی تحمیل شود و نتواند از مزیت‌های خود در عرصه تجارت جهانی بهره ببرد.

لذا با توجه به آغاز به کار دولت سیزدهم و مشکلات اقتصادی که کشور با آن دست به گریبان است، تغییر رویکرد حوزه سیاسی برای رونق هرچه بیشتر در عرصه اقتصادی و گره‌گشایی از موانع تعاملات بین‌المللی تجارت با سایر کشورها ضرورتی است که جدای از نوع تفکر حاکم بر دولت باید به صورت جدی برای آن اندیشه شود، در غیر این صورت با تداوم روند موجود، اندک بازارهای باقی‌مانده برای محصولات ایرانی نیز با توجه به رقابت نابرابر تولیدکنندگان ایران با سایر کشورها از دست خواهد رفت و در چنین شرایطی صنایع کوچک و بخش تولیدات غیرنفتی که سهم قابل توجهی از اشتغال کشور را به خود اختصاص داده‌اند بیش از سایر بخش‌ها زیان خواهند دید، کما اینکه با از دست رفتن برخی بازارها در یک دهه اخیر تعداد قابل توجهی از صنایع کوچک کشور ورشکست شده و با کمترین میزان ظرفیت، فعالیت می‌کنند.

واقعیت این است که اعمال تحریم‌های اقتصادی بر ایران در چند سال اخیر باعث شده تا رقبا از خلأ عدم حضور ما در بازارهای جهانی کمال بهره را ببرند و سایر کشورها نیز ترجیح می‌دهند برای تأمین نیازهای خود، روی کشوری برنامه‌ریزی کنند که در همکاری اقتصادی با آن کشور دچار مشکل نشوند بنابراین در جریان تحریم‌ها نه تنها درآمدهای ما از دست رفت، بلکه مشتریانی که با زحمت فراوان جذب محصولات ایران شده بودند با کشورهای رقیب وارد تجارت شدند و با رفع تحریم‌ها نیز بازگشت شرایط به قبل از آن و بازپس‌گیری بازار برای ما به سادگی حاصل نخواهد شد. ♦♦

**برخی کارشناسان یکی از دلایل خروج آسان آمریکا از برجام را فقدان منافع اقتصادی در این توافق برای آمریکا عنوان می‌کنند. بدون شک اگر پای سرمایه‌گذاران این کشور در دوران پسابرجام در طرح‌های مختلف باز می‌شد، تحت تأثیر مخالفت‌های سرمایه‌گذاران آمریکایی و با توجه به منافع اقتصادی که برای آنان از دست می‌رفت، خروج آمریکا از برجام به آسانی آنچه که در دوران ترامپ اتفاق افتاد، صورت نمی‌گرفت.**